

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادویکم

پاییز ۱۳۹۶

مواجهه امام هادی علیه السلام با تنش های سازمان وکالت در دوران امامت خود

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۶/۷/۲۳

حسین قاضی خانی^۱

سازمان وکالت، شبکه ای از وکلای به هم پیوسته بود که در عصر حضور ائمه علیهم السلام، وظیفه سامان دهی امور شیعیان را در امور مرتبط با امام بر عهده داشت. این سازمان در روزگار امام هادی علیه السلام با توجه به شرایط سیاسی پدیدآمده توسط دستگاه خلافت عباسی، دوران جدیدی از فعالیت خود را تجربه کرد که لازمه آن، انجام فعالیت ها به صورت پنهانی و دوری جستن از هرگونه تنش و اختلاف درونی بود. این شرایط حساس، می طلبد تا امام هادی علیه السلام به عنوان رهبر عالی این سازمان، بسترها و عوامل تنش زایی در فعالیت های کارگزارانش را رصد کند؛ تا در موقع لزوم، با ارائه راهکارهایی در پیشگیری یا برون رفت از تنش، سازمان را هدایت کند و به سلامت، از خطرهای پیش رو گذر دهد. استقرای اطلاعات تاریخی مرتبط با وکلای امام هادی علیه السلام از منابع کتابخانه ای و سپس بررسی و تحلیل آنها، مؤید این فرضیه است که امام هادی علیه السلام با آگاهی از بسترهای بروز تعارض و تنش در سازمان

۱. استادیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، رایانامه:

Hu.ghazy@gmail.com

وکالت، در درجه نخست در صدد پیشگیری از بروز تعارض بوده و در مواجهه با تنش‌های پدیدآمده نیز با بهره‌گرفتن از راهکارهای مختلف که در متن مقاله به تفصیل معرفی شده، سازمان را در برابر خطرات پیرامونی حفظ نمود.

کلیدواژگان: امام هادی علیه السلام، مدیریت تعارض، سازمان وکالت، تاریخ امامان شیعه، تاریخ شیعیان.

مقدمه

با فزونی یافتن جمعیت شیعیان، دوری برخی سکونت‌گاه‌های شیعیان از مرکز زندگی امام و فشارهای دستگاه حاکمه، امامان شیعه بر آن شدند تا با به‌کارگماشتن برخی افراد، تحت عنوان وکیل، شبکه ارتباطی میان امام و شیعیان را بنیان نهند که امروزه از آن با عنوان نهاد و سازمان وکالت یاد می‌شود.^۱ از آنجا که فعالیت این وکلا در عصر امام کاظم علیه السلام ظهور و بروز خاصی پیدا کرد، برخی آغاز فعالیت این سازمان را از این دوره می‌دانند.^۲ این، در حالی است که برخی دیگر امام صادق علیه السلام را آغازگر این مسیر برشمرده‌اند.^۳ آشکارشدن فعالیت‌های این شبکه می‌توانست خطرهایی را متوجه امام و شیعیان کند. به همین جهت، لازم می‌نمود ائمه علیهم السلام با رصد وضعیت دستگاه خلافت و شرایط درون‌گروهی شیعیان، برآن باشند تا با شناخت آسیب‌های فرارو به رفع آنها بپردازند تا از خطرهای احتمالی سازمان را به سلامت عبور دهند. از جمله خطرهای فراروی سازمان، بروز تعارض و تنش در میان کارگزاران، یا رخ‌دادن تنش میان وکیلان با شیعیان و دستگاه

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: جبّاری، سازمان وکالت؛ ملبوبی، سازمان وکالت شیعه و سازمان دعوت عباسیان.

۲. مدرسی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۲۰.

۳. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ص ۱۳۴.

خلافت بود؛ تنش‌هایی که در صورت عدم مدیریت، می‌توانست بنیان سازمان را با خطرهای جدی مواجه سازد.

پرسشی که این مقاله در پی پاسخ به آن است، این می‌باشد که: در روزگار امام هادی علیه السلام، سازمان وکالت با چه نوع تنش‌هایی روبه‌رو گردید؟ و امام هادی علیه السلام از چه تکنیک‌هایی برای عبور از این تنش‌ها بهره گرفت؟

در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها، تلاش شده است ابتدا با نیم‌نگاهی به ادبیات بحث مدیریت تعارض در «علم مدیریت»، آشنایی اولیه با مسئله تعارض و مدیریت آن، حاصل آید تا در ادامه، با مراجعه به تاریخ زندگانی امام هادی علیه السلام و منابع مربوط به وکلای حضرت، با استقرای تنش‌های بروز یافته در سازمان وکالت در عصر ایشان، ضمن شناخت عوامل و بسترهای بروز تعارض‌ها، با بررسی و تحلیل داده‌های موجود، تکنیک‌های حضرت علیه السلام در برون‌رفت سازمان از این تنش‌ها نیز به تصویر کشیده شود.

چنین نگاهی به این مسائل، امری با سابقه دیرین نمی‌باشد. بدین سبب، به عنوان پیشینه می‌توان از کتاب‌های مدیریت تعارض با رویکرد اسلامی اثر سید مسعود قانع^۱ و رسول‌خدا و مدیریت تنش‌های مدینه به خامه حسین قاضی‌خانی^۲ در کنار مقالات: «امام کاظم علیه السلام و مدیریت پیشگیری از تعارض» به قلم محسن الویری^۳ و «بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت» نگارش یافته توسط حسین قاضی‌خانی یاد کرد.^۴ شایان ذکر است، در کتاب نخست، نگارنده به بحث مدیریت تعارض با رویکرد اسلامی توجه داشته است. از این‌رو، با بهره‌گرفتن از آیات قرآن، احادیث و تاریخ زندگانی معصومان علیهم السلام، سعی

۱. قانع، مدیریت تعارض با رویکرد اسلامی.

۲. قاضی‌خانی، رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و مدیریت تنش‌های مدینه.

۳. الویری، «امام کاظم علیه السلام و مدیریت تعارض»، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام.

۴. قاضی‌خانی، «بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود.

در ارائه مطالب داشته است و توجه به تنش‌های سازمان وکالت، آن هم در عصر امام هادی علیه السلام، مورد اهتمام ایشان نبوده است. در دومین کتاب و نخستین مقاله یادشده نیز نویسندگان تعارض‌ها و تنش‌ها را در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و عصر امامت امام کاظم علیه السلام کاویده‌اند. تنها دومین مقاله است که تنش‌های سازمان وکالت در روزگار امامت امام هادی علیه السلام را به عنوان بخشی از مجموعه حیات سازمان وکالت مورد توجه داشته است.

نگاهی بر ادبیات بحث مدیریت تعارض

۱-۱. تعریف واژگان:

در مقاله پیش رو، مفاهیم ذیل با این معانی استفاده گردیده‌اند:

۱-۱-۱. تنش: اصطلاح تنش، این‌گونه تعریف شده است: «کشمکش پنهان، تعارض، تخالف یا وضعی در مناسبات دو کشور، دو گروه یا بین افراد که امکان دارد به قطع روابط آنها بینجامد.»^۱ تنش، حالتی است که به هنگام رخ نمودن آن به دلیل تخصیص ایجادشده از بازدهی مثبت افراد در نقش‌های‌شان کاسته می‌شود و چه بسا به پدیدآمدن درگیری منجر شود که حاصل آن، بازماندن سازمان از اهداف در نظر گرفته شده خواهد بود.

۱-۱-۲. تعارض: بدان سبب که در مباحث علم مدیریت پرداختن به بحث تنش‌ها در ذیل مبحث تعارض و مدیریت آن صورت می‌گیرد، ناگزیر اصطلاح تعارض نیز باید مورد توجه باشد.

تعارض، غالباً تجسم‌گر نزاع و درگیری است؛ در صورتی که این تجسم، بارزترین نمود خصمانه تعارض است. با کمی دقت در امور روزمره زندگی، به انواع ملایم‌تر تعارض مانند انتقادات و یا جدال‌ها مواجه هستیم. از این واژه، تعاریف بسیاری ارائه شده است؛ اما به صورت جامع می‌توان تعارض را این‌گونه تعریف کرد: فرآیندی حاصل پندار یک دسته یا

۱. آفابخشی و افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۵۸۱.

گروه که می‌اندیشند گروه دیگر، آثار منفی بر جای می‌گذارد یا قرار است اثرات منفی به بار آورد؛ البته در مورد همان چیزهایی که مورد توجه طرف یا گروه اول است.^۱ با اینکه امروزه برخی اندیشمندان تعارض را دارای کارکرد مثبت نیز می‌دانند،^۲ اما در این نوشتار، تأکید بر جنبه تنش‌زایی آن است. به همین رو، در این تحقیق تنش و تعارض، به یک معنا به کار برده می‌شود.

۱-۱. سازمان وکالت

از وکالت (به فتح و کسر واو)، معنای عهدکردن با دیگری که عملی را برای او انجام دهد، اراده می‌شود. سازمان وکالت، شبکه‌ای از وکلای امامان معصوم علیهم‌السلام از عصر امام کاظم علیه‌السلام تا روزگار غیبت صغری است که امام علیه‌السلام معصوم، افرادی را به سامان‌دهی امور مرتبط میان ایشان و شیعیانشان می‌گماشت تا به فعالیت‌هایی مانند: پاسخ به پرسش‌های عقیدتی و فقهی، جمع‌آوری اموال شرعی شیعیان که باید به دست معصوم می‌رسید، و نیز هدایت فکری شیعیان جهت فرارنگرفتن در فتنه‌های سیاسی و عقیدتی، همت گمارد.^۳

۱-۲. تکنیک‌های برون‌رفت از تعارض

برخی تکنیک‌ها از سوی اندیشمندان علم مدیریت برای کنترل تعارض مطرح شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به: حل مسئله، افزایش منابع، اجتناب، مصالحه و تغییردادن متغیرهای ساختاری و انسانی اشاره کرد.^۴

۱. رایبیز، رفتار سازمانی، ج ۳، ص ۷۸۴.

۲. جو هج و کانلیف، نظریه سازمان، ص ۵۰۶.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، سازمان وکالت.

۴. رضاییان، مدیریت تعارض و مذاکره، ص ۶۸ - ۷۳؛ رایبیز، تئوری سازمان، ص ۳۷۰ - ۳۷۶؛ رایبیز،

رفتار سازمانی، ج ۳، ص ۸۰۰.

۲. زمینه‌های بروز تنش در سازمان وکالت در عصر امام هادی علیه السلام

بسترها و عوامل بروز تعارض در سازمان وکالت را بسان دیگر سازمان‌ها می‌توان به عوامل ساختاری و انسانی تقسیم کرد که البته ممکن است برخی بسترها، هم آبخور ساختاری و هم انسانی داشته باشند. در این صورت، این گونه بسترها متناسب به جنبه‌ای می‌شوند که بیشتر با آن در تناسب باشند. البته باید گفت این‌گونه نیست که این عوامل فقط مختص به دوران امامت امام هادی علیه السلام (۲۲۰ - ۲۵۴ق) بوده باشد و در دوران دیگر ائمه علیهم السلام بروز نیافته باشد؛ بلکه این عوامل در مواردی کلی هستند و می‌توان ردّ برخی از آنها را در دوران دیگر ائمه علیهم السلام نیز رصد کرد. در این نوشتار، تلاش شده است عواملی که در دوران امام هادی علیه السلام نمودِ ظاهری یافته‌اند، با ذکر شاهد مثال معرفی گردند؛ تا در ادامه نیز شیوه مواجهه حضرت علیه السلام با این تنش‌ها ارائه شود.

۱-۱. عوامل ساختاری

هر سازمانی با توجه به اهداف پدیدآورندگانش، به شکل خاصی بروز و ظهور پیدا می‌کند. در واقع، این اهداف سازمان‌هاست که چیدمان نیروها، هرم قدرت، چگونگی روابط میان رئیس و مرئوس، گستره جغرافیایی و... را مشخص می‌سازد. برخی تعارض‌های روی داده در سازمان‌ها، برآمده از ساختار آنها هستند؛ از جمله عوامل ساختاری تنش‌ساز در نهاد وکالت، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱-۱-۲. سرّی بودن: شاخصه مهم نهاد وکالت؛ که می‌تواند فعالیت‌های آن در استتار و به دور از چشم حاکمان انجام گیرد. این مسئله، به قدری دارای اهمیت بود که تمامی فعالیت‌های این نهاد، به گونه‌ای متأثر از آن بوده است. در گزارشی از شرایط آغازین روزهای امامت امام هادی علیه السلام چنین آمده است:

به هنگامی که بزرگان شیعه پس از شهادت امام جواد علیه السلام در منزل محمد بن فرج، وکیل امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام،^۱ گرد آمده تا در مورد امام بعدی تکلیف خود را بدانند، وکیل امام درصدد بر می آید این خبر انتشار نیابد.^۲ همچنین، آمده است که یکی از القاب عثمان بن سعید، سروکیل دوران امام عسکریین علیه السلام، و اولین نایب دوران غیبت صغری، سمان و زیات (روغن فروش) بوده است.^۳ شیخ طوسی تصریح دارد وی در پوشش این شغل، اموال شیعیان را به محضر امام عسکری علیه السلام می‌رسانیده است^۴ که با توجه به شرایط مشابه دوران امام هادی و عسکری علیه السلام در سامرا، و وکالت عثمان بن سعید از هر دو امام، می‌توان چنین برداشت کرد که در دوران امام هادی علیه السلام نیز چنین روشی مورد استفاده بوده است. همچنین، شایان ذکر است که در روزگار امامت امام هادی علیه السلام، به دلیل تغییر نگرش دستگاه خلافت به شیعیان، اوضاع امامیه دگرگون گشته و امام هادی علیه السلام نیز به سامرا فرا خوانده می‌شود.^۵ لازمه این شرایط نامساعد، مخفی نگاه داشتن فعالیت‌های سازمان، تلاش برای عدم انتشار اخبار و منازعات درون سازمانی به بیرون و عدم درگیری با مأموران حکومتی بوده است؛ اموری که عدم پایبندی به آن، خطرات جدی را متوجه امام، وکیلان و یا شیعیان می‌کرد.

۱-۳-۱. جایگاه مالی سازمان: در میان وظایف وکلا، جمع‌آوری وجوه شرعی و اهدایی شیعیان و رسانیدن آنها به امام، نمود بیشتری داشته است؛ به گونه‌ای که برخی از این امر به

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: جبّاری، سازمان وکالت، ص ۵۳۲ - ۵۳۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۳. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۲۳.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴.

۵. برای اطلاع بیشتر از وضعیت امامیه در این عصر، ر.ک: جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ص ۸۱ - ۸۸.

عنوان تنها وظیفه‌ی وکلا یاد می‌کنند و بر وسوسه‌انگیز بودن آن تأکید دارند.^۱ مسئله جایگاه مالی سازمان، به گونه‌ای است که یکی از عوامل نضج‌گیری فرقه واقفیه و توقف در امامت امام کاظم علیه السلام توسط وکلای سرشناس حضرت، همین مسئله مالی و وجود اموال فراوان در نزد وکلای ایشان معرفی می‌شود.^۲ همچنین، آمده است طمع در اموال امام زمان علیه السلام، ابن بلال^۳ را که وکیل امام عسکری علیه السلام بود، در عصر غیبت صغری به معارضه با نائب دوم کشانید.^۴

در روزگار امام هادی علیه السلام نیز نمونه‌ای مهم از چالش‌زایی این مسئله چهره نشان می‌دهد. فارس بن حاتم^۵ که زمانی وکالت امام هادی علیه السلام را در منطقه جبال و از جمله قزوین عهده‌دار بود، مسیر انحراف و خیانت در پیش گرفت. او اموال شیعیان را تحویل می‌گرفت؛ ولی از تحویل دادن آن به امام هادی علیه السلام خودداری می‌کرد. آمده است که امام هادی علیه السلام در پاسخ به نامه علی بن عبیدالله دینوری که حکایت از تحویل وجوهات شرعی به فارس داشت، مرقوم داشت آن اموال به امام علیه السلام تحویل نشده است. فارس در این خیانت‌ها تا بدان جا پیش رفت که با جعل دست‌خط، رسید جعلی وصول اموال به امام هادی علیه السلام را صادر می‌کرد.^۶

۴-۱. در دسترس نبودن امام: عدم حضور مسئولان سازمان‌ها و نبود دسترسی آسان به ایشان، از عواملی است که احتمال سوء استفاده برخی کارگزاران را فراهم می‌آورد؛

۱. احمد الکاتب، *تطور الفكر السياسي*، ص ۲۲۶.

۲. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۴۰۴ و ۴۵۹ - ۴۶۰.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، *سازمان وکالت*، ص ۶۶۶ - ۶۶۸.

۴. طوسی، *الغیبه*، ص ۴۰۰.

۵. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، *سازمان وکالت*، ص ۶۵۰ - ۶۵۷.

۶. همان، ص ۵۲۵.

۷. همان، ص ۵۲۵.

مسئله‌ای که در دوران زندانی بودن امام کاظم علیه السلام^۱ و عصر غیبت صغری چالش‌زا گردید^۲ و برخی وکلا و کارگزاران نهاد وکالت، به خیانت روی آوردند.

در روزگار امام هادی علیه السلام نیز به دلیل فراخوانده شدن حضرت از مدینه به سامرا و تحت نظر بودن عملی ایشان برای سال‌های طولانی^۳ در این شهر، سازمان وکالت دوره جدیدی از در دسترس نبودن امام را تجربه می‌کرد؛ مسئله‌ای که باعث می‌شد تا ارتباط با امام به آسانی میسر نباشد.

۱-۵. گستردگی جغرافیایی قلمرو سازمان و پیامدهای آن: گستردگی جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین،^۴ علاوه بر آنکه تعداد وکیل بیشتری را می‌طلبد، گاه باعث دخالت وکلا در کار یکدیگر می‌شد.

از نامه امام هادی علیه السلام به ایوب بن نوح، وکیل حضرت در کوفه،^۵ برمی‌آید که ایوب و ابوعلی بن راشد، وکیل امام هادی علیه السلام در بغداد، مدائن و قرای سواد،^۶ به عنوان وکلای حضرت در برخی امور مرتبط با قلمرو جغرافیایی وکالتی یکدیگر ورود پیدا کرده بودند و باعث ایجاد مشکلاتی برای یکدیگر شده بودند.^۷

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۰۴ و ۴۵۹ - ۴۶۰.

۲. طوسی، الغیبة، ص ۳۹۹ - ۴۰۰.

۳. در مورد سال‌های اقامت امام هادی علیه السلام در سامرا، اختلاف است؛ در حالی که شیخ مفید این دوران را حدود ده سال برمی‌شمارد. فتال نیشابوری، ابن شهر آشوب و سبط بن جوزی، مدت این دوران را حدود بیست سال دانسته‌اند. (مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۱۰؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۵۵۴؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۰۱؛ سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۲).

۴. جباری، سازمان وکالت، ص ۷۱.

۵. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، سازمان وکالت، ص ۵۴۱ - ۵۴۴.

۶. برای اطلاع بیشتر، رک: همان، ص ۵۱۴ - ۵۱۸.

۷. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۴.

۶-۱-۱. درگیری و آزار: وکلا به سبب مسئولیتشان، چه بسا با کارگزاران حکومت عباسی و در مواردی با کارگزاران خائن درگیر می‌شدند و از سوی ایشان مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند.

ایوب بن نوح بن دراج، وکیل امام هادی علیه السلام که از اذیت‌های جعفر بن عبدالواحد، قاضی وقت کوفه، به تنگ آمده بود، با ارسال نامه به حضرتش درخواست کمک و رفع مشکل را دارد.^۱ فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، وکیل امام هادی علیه السلام که رابط سازمان وکالت و شیعیان مناطق جبال در ایران بود و در سامرا فعالیت می‌کرد، در اواخر دوران امامت حضرت، مسیر انحراف را در پیش می‌گیرد. فارس با علی بن جعفر همانی،^۲ وکیل دیگر امام که وی نیز در سامرا به فعالیت مشغول بود، درگیر می‌شود و کار را به مشاجره می‌کشاند که حاصل آن، ایجاد دل‌نگرانی در میان شیعیان منطقه و عدم پرداخت وجوه شرعی از جانب آنان می‌شود. از سوی دیگر، وکیلان مناطق دیگر در حیرت بودند که اموال امام علیه السلام را به کدام یک از این دو در سامرا تحویل دهند.^۳

۱-۱. عوامل انسانی

گاه تعارض‌های رخ داده، برآمده از ساختار سازمان نیست؛ بلکه ریشه در رفتارهای کارگزاران سازمان دارد؛ رفتارهایی که برآمده از باورها، شخصیت، وابستگی و یا آرزوهای ایشان است. از جمله عوامل انسانی برزیافته در سازمان وکالت به روزگار امام هادی علیه السلام، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱-۱-۱. انحراف‌های اعتقادی و فکری: از جمله چالش‌های جدی در سازمان وکالت که در عصر امام هادی علیه السلام نیز چهره نشان داد، بحث انحراف عقیدتی کارگزاران بود؛ انحرافی

۱. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۹۴.

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: جباری، سازمان وکالت، ص ۵۳۷ - ۵۴۰.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۲۳ و ۵۲۷.

که می‌توانست با توجه به جایگاه اجتماعی، دینی و مالی و کلا، خطرات جدی را در پی داشته باشد.

فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، از وکلای امام هادی علیه السلام در سامرا^۱ که مسیر انحراف در پیش گرفته بود، با نزدیک نشان دادن خود به سید محمد، فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام، در میان طرفداران خود، امامت محمد را ترویج می‌کرد.^۲ عروه بن یحیی دهقان،^۳ فرد دیگری است که راه انحراف در پیش گرفت و به دروغ بستن بر امام هادی علیه السلام روی آورد.^۴

۱-۱-۲. ادعاهای دروغین: داشتن ادعای باییت و نیابت، از دیگر چالش‌های فرا روی سازمان در دوران فعالیت آن بود؛ مسئله‌ای که هر در روزگار امام هادی علیه السلام نیز چهره نشان داد.

علی بن حسکه^۵ در عصر امام هادی علیه السلام علاوه بر نشر باورهایی مانند غلو که با اعتقادات اسلامی همخوانی نداشت، ادعای باییت و نیابت از جانب امام را نیز مطرح می‌ساخت.^۶

۳. امام هادی علیه السلام و مواجهه با تنش‌های سازمان وکالت

پس از آشنایی با بسترها و عواملی که می‌توانست در سازمان وکالت ایجاد تنش و تعارض نماید، با بررسی اقدامات امام هادی علیه السلام در مواجهه با تنش‌ها در سازمان وکالت، می‌توان فعالیت‌های انجام‌شده در این مسئله را از دو منظر نظاره‌گر بود:

۱. همان، ص ۵۲۶.

۲. خصیبی، هدایة الکبری، ص ۳۸۴ - ۳۸۵.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: جبّاری، سازمان وکالت، ص ۶۵۷ - ۶۵۹.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۷۳.

۵. برای اطلاع بیشتر، رک: جبّاری، سازمان وکالت، ص ۶۹۰ - ۶۹۱.

۶. همان، ص ۵۱۹.

۱-۱. تکنیک‌های مورد استفاده توسط امام هادی علیه السلام برای پیشگیری از بروز تنش

پیشگیری در مدیریت تعارض، امری است که اندیشمندان این علم بر آن تأکید دارند. با پیشگیری می‌توان جلوی هدررفت سرمایه‌ها به هنگام بروز تنش را گرفت و یا از میزان آن کاست. پس، مدیری موفق است که با تأثیر بر انگیزاننده‌های زیردستانش، آنان را به سوی بروز رفتارهای مورد نظر خود سوق دهد.^۱ تکنیک‌های استفاده‌شده توسط امام هادی علیه السلام در جهت پیشگیری از بروز تنش در سازمان وکالت، عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. دستور به انجام وظایف در محدوده تعیین‌شده: به دلیل گستردگی قلمرو جغرافیایی سازمان وکالت و لزوم متعددبودن وکلا، امکان تداخل وظایف وجود داشت؛ تداخلی که می‌توانست تنش‌هایی را همراه آورد. امام هادی علیه السلام با پیش‌بینی این امر، وکلای خویش را به فعالیت در محدوده مشخص‌شده فرمان داده و از دخالت در وظایف سایر وکلا نهی می‌نمود.

امام هادی علیه السلام در نامه‌ای به ایوب بن نوح، وکیل حضرت در ناحیه کوفه، وی و ابوعلی بن راشد، وکیل امام در مناطق بغداد، مدائن و قرای سواد را به انجام وظیفه در محدوده مشخص‌شده و عدم دخالت در امور یکدیگر فرمان می‌دهد. متن نامه چنین است:

من تو را، ای ایوب بن نوح! فرمان می‌دهم که ارتباطات فراوان خود با ابوعلی بن راشد را قطع کنی! و هریک از شما دو نفر، ملتزم به امری باشد که بدان مأمور است و فعالیتش محدود به ناحیه‌ای شود که برای آن نصب شده است؛ چراکه شما اگر به آنچه مأمور شده‌اید پایبند باشید، از مراجعه مکرر به نزد من بی‌نیاز خواهید شد. و تو را نیز ای اباعلی! بدانچه به ایوب امر کردم،

۱. بلانچارد هرسی، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۳۷ - ۳۸.

فرمان می‌دهم، [ای ایوب!] نباید از اهل بغداد و مدائن چیزی بپذیری و برای ملاقات با من اذن صادر کنی، و آن‌کس را که از غیر ناحیه خودت برای تو چیزی آورد، به سوی وکیل ناحیه خودش رهنمون شو. و به تو نیز ای اباعلی! به مثل آنچه به ایوب فرمان دادم، امر می‌کنم. و هر یک از شما تنها باید به آنچه مأمور شده است، عمل نماید.^۱

این گزارش نشان می‌دهد، تعارض‌هایی در وظایف این وکیلان رخ نموده که البته به حدّ درگیری نرسیده بود. از این‌رو، امام با راهنمایی لازم، راه را بر ادامه تعارض و بروز تنش و درگیری می‌بندد.

۱-۲-۱. تبیین جایگاه و مقام وکیلان: در مواردی، برخی ابهام‌ها باعث شده بود که شیعیان با دیده تردید به وکلای امام هادی علیه السلام بنگرند و از تحویل اموال به وکیل امام خودداری کنند.^۲ بنابراین، می‌طلبید امام هادی علیه السلام با تبیین جایگاه و مقام وکیلان، شرایط لازم برای فعالیت آنان را فراهم آورد تا شیعیان با اطمینان به وکلا رجوع نمایند. امام هادی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از شیعیان به نام علی بن بلال می‌نویسد:

من ابوعلی (بن راشد) را به جای (علی بن) حسین بن عبد ربّه (وکیل امام هادی علیه السلام در منطقه بغداد، مدائن و قرای سواد)^۳ قرار دادم و بر او اعتماد نمودم؛ به سبب شناختی که نسبت به صلاحیت‌های او دارم؛ صلاحیت‌هایی که کسی نسبت به او در آنها پیشی نمی‌گیرد...^۴

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۴.

۲. همان، ص ۵۲۳ و ۵۲۷.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، سازمان وکالت، ص ۵۱۳ - ۵۱۴.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۳.

در ادامه، به علی بن بلال دستور داده می‌شود که: «... پس بر تو باد اطاعت از او (ابوعلی بن راشد) و تسلیم همه حقوق مالی به او، و آگاه کردن شیعیان به جایگاه او، و کمک و یاری‌اش که این، مطلوب ماست...»^۱

همچنین، امام هادی علیه السلام در نامه‌ای به شیعیان بغداد و مناطق اطراف، پس از آنکه ابوعلی را فردی کاردان معرفی می‌نماید، اطاعت از وی را اطاعت از حضرت و نافرمانی از دستوراتش را نافرمانی از فرامین امام می‌خواند.^۲ در موردی دیگر آمده است: هنگامی که احمد بن اسحاق اشعری^۳ که وکالت امام هادی علیه السلام را در قم عهده‌دار بود، از حضرتش سؤال می‌کند اموال مخصوص امام را به دست چه کسی برساند و از چه کسی حرف شنوی داشته باشد، امام هادی علیه السلام از عثمان بن سعید نام می‌برد و او را با وصف ثقه و امین ممتاز می‌سازد.^۴

۱-۱. راهکارهای مورد استفاده توسط امام هادی علیه السلام در مواجهه با تنش‌ها

از آنجا که در سازمان، تعامل انسان‌ها مد نظر است، بروز تعارض و به تبع آن رخ دادن تنش و ایجاد درگیری، امری دور از ذهن نیست. پس، نمی‌توان متوقع بود که تنها با پیشگیری بتوان به کنترل تعارض‌ها پرداخت. بنابراین، بخشی از این مسئله را باید در تکنیک‌های مورد استفاده به هنگام روی‌دادن تنش‌ها رصد کرد. تکنیک‌های ذیل را می‌توان از داده‌های مرتبط با وکلای امام هادی علیه السلام به هنگام بروز تنش‌ها استخراج کرد.

۱. همان، ص ۵۱۳.

۲. همان، ص ۵۱۳ - ۵۱۴.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، سازمان وکالت، ص ۵۴۸ - ۵۵۶.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۲۴۳: «وَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ صَاحِبَ الْعَسْكَرِ علیه السلام وَقَالَ: مَنْ أَعَامِلُ وَ عَمَّنْ أَخَذُ وَ قَوْلَ مَنْ أُقْبَلُ فَقَالَ [لَهُ] الْعَمْرِيُّ يُقْتَبَى فَمَا أَدَى إِلَيْكَ فَعَنَى يُؤَدَى وَ مَا قَالَ لَكَ فَعَنَى يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَ أَطِعْ فَإِنَّهُ الثَّقَةُ الْمَأْمُونُ.»

۱-۱-۱. جایگزینی وکیل: گاه به هر روی، انتظاری که از وکیل منطقه است، حاصل نمی‌آید و به‌ناچار در چنین مواقعی، جابه‌جایی کارگزاران می‌تواند به حل مشکل کمک کند.

امام هادی علیه السلام در پاسخ به نامه علی بن عبیدالله دینوری که حکایت از تحویل وجوهات شرعی به فارس داشت، مرقوم داشت که آن اموال به امام علیه السلام تحویل نشده است و به همین جهت، دیگر به فارس چیزی داده نشود و وجوهات از طریق ایوب بن نوح ارسال شود.^۱

۱-۱-۲. اطلاع‌رسانی: آگاه کردن سایر وکلا و شیعیان از انحراف و خیانت وکلای پردشده، می‌تواند علاوه بر جلوگیری از هدررفت اموال، مانعی بر سوء استفاده‌های محتمل از جانب آنان باشد.

علی بن عمرو عطار، از شیعیان امام هادی علیه السلام، جهت تحویل اموال به فارس وارد سامرا می‌شود. عثمان بن سعید، سروکیل سازمان، به دستور امام هادی علیه السلام علی بن عبدالغفار را طلبید و وی را مأمور ساخت تا فرد مورد اطمینانی را نزد علی بن عمرو فرستاده، وی را از وضعیت فارس و لعن او از سوی امام هادی علیه السلام آگاه کند. سرانجام اموال به جای فارس، به عثمان بن سعید تحویل داده می‌شود.^۲

گذشت که امام هادی علیه السلام در پاسخ به نامه علی بن عبیدالله دینوری که حکایت از تحویل وجوهات شرعی به فارس داشت، مرقوم داشت که آن اموال به امام علیه السلام تحویل نشده است. به همین جهت، دیگر به فارس چیزی داده نشود و از طریق ایوب بن نوح به ارسال وجوهات مبادرت شود.^۳ امام هادی علیه السلام همچنین، با ضمیمه کردن دستخط جعلی

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۲۵.

۲. همان، ص ۵۲۶.

۳. همان، ص ۵۲۵.

وصول اموال به امام علیه السلام که توسط فارس صورت گرفته بود، ایوب بن نوح را از جریان مطلع نمود و از وی خواست خیانت فارس را نزد شیعیان افشا نماید^۱ تا دیگر شیعیان برای تحویل اموال به فارس مراجعه نکنند.

۱-۳-۱. رفع تهدید و اذیت: کارگزاران دستگاه‌هایی مانند سازمان وکالت، به دلیل جایگاه و مسئولیت مهمشان، در معرض تهدید و آزار از سوی مخالفان قرار دارند؛ خاصه وکلای امام هادی علیه السلام که در شرایط سخت دوران خلافت عباسی و تحت نظر بودن امامشان، می‌بایست وظایف خویش را به انجام می‌رساندند. قرار داشتن در این شرایط، طلب می‌کرد به هنگام لزوم امام هادی علیه السلام به عنوان سرپرست اصلی سازمان، کارگزاران خویش را در سختی‌های بروزیافته یاری‌رسان باشد.

ایوب بن نوح بن دراج، وکیل امام هادی علیه السلام که از اذیت‌های جعفر بن عبدالواحد قاضی کوفه به تنگ آمده بود، با ارسال نامه به حضرتش درخواست کمک دارد. امام علیه السلام وعده می‌دهد تا دو ماه دیگر شرّ او دفع خواهد شد. طبق وعده امام، او در این مدت عزل می‌گردد.^۲ وقتی علی بن جعفرهمانی که در زندان متوکل گرفتار شده بود، از تصمیم متوکل برای کشتن خود آگاه گردید، مکتوبی از زندان بدین مضمون برای امام هادی (ع) فرستاد: «ای سید من! شما را به خدا برابیم چاره‌ای بیندیشید؛ چراکه می‌ترسم با این تصمیم متوکل، در ادامه راه دچار لغزش و تردید شوم.» امام نیز در پاسخ چنین نگاشت: «حال که وضع تو چنین است، با خداوند متعال در باره‌ات مناجات خواهم کرد.» پس از این بود که متوکل دچار تبی شدیدی گردید که وی را تا آستانه مرگ پیش بُرد و در این ایام، وی دستور آزادی برخی زندانیان، از جمله علی بن جعفر را صادر کرد.^۳

۱. همان.

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۹۴.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۶۰۹.

۴-۱-۱. جانب‌داری: گاه در دعوی میان دو نفر، لازم است مافوق جانب کارگزاری را که برحق است، بگیرد تا علاوه بر تطهیر چهره او، در ادامه فعالیتش خللی وارد نشود. در جریان اختلاف علی بن جعفر همانی با فارس بن حاتم قزوینی، ابراهیم بن محمد همدانی که در ردیف وکلای امام دهم قرار داشت،^۱ از امام هادی علیه السلام در مورد رجوع شیعیان به کدام یک از آن دو، کسب تکلیف می‌نماید؛ حضرت علیه السلام در پاسخ به او می‌نگارند:

این امر، نیازمند سؤال نبوده و درباره علی بن جعفر تردید روا نیست. خداوند جایگاه وی را رفیع ساخته و ما را از اینکه وی را با مثل فارس بن حاتم مقایسه کنیم، منع نموده است و شما و اهالی جبال، برای رسیدگی به امورتان به علی بن جعفر مراجعه کنید.^۲

۵-۱-۱. پنهان نگه داشتن اخبار به جهت عدم تحریک کارگزاران معزول: کارگزاران با توجه به اطلاع از اسرار سازمان و مسائلی از این دست، به هنگام عزل و طرد، به عناصری خطرناک تبدیل می‌شوند که باید مراقب فتنه‌جویی‌های آنان بود. عدم دقت در این نکته، می‌تواند عواقب سویی به بار آورد. شیوه مواجهه امام هادی علیه السلام با فارس بن حاتم، گویای این معناست.

پس از آنکه فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، وکیل امام هادی علیه السلام، مسیر انحراف در پیش گرفت و با علی بن جعفر همانی، وکیل دیگر امام، درگیر شد و کار را به مشاجره کشاند، حاصل آن ایجاد دل‌نگرانی در میان شیعیان منطقه و عدم پرداخت وجوه شرعی از جانب آنان شد. بنابراین، امام هادی علیه السلام ضمن آنکه در این مسئله جانب علی بن جعفر را گرفت و در نامه‌هایی به وکلای خود، از ایشان خواست دیگر با فارس در ارتباط نباشند.^۳

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: جباری، سازمان وکالت، ص ۵۲۶ - ۵۲۹.

۲. همان، ص ۵۲۳ و ۵۲۷.

۳. همان.

حضرت با نکته‌سنجی خاصی طلب می‌کند که این دستور را مخفی و سرّی نگاه دارند و از تحریک فارس خودداری نمایند تا وی ایجاد شر نکند.^۱ سرّ این دستور را باید در کانال ارتباطی بودن فارس برای شیعیان مناطق جبال (بخش مرکزی و غربی ایران) و کسب وجهه‌ای که از منصب وکالت به دست آورده بود، جست‌وجو کرد.

۱-۱-۶. برخورد: تنش‌آفرینی کارگزاران، گاه استمرار پیدا می‌کند و آن، هنگامی است که فردی بر لجاجت پای فشرده و با تمامی تلاش‌ها برای هدایت وی، باز بر رفتار اختلاف‌افکن خود پای بفشارد. در چنین مواقعی، لازم است متناسب با رفتارهای تنش‌زا برخورد لازم انجام گیرد. در راستای مواجهه با چنین افرادی، این تکنیک‌ها از سوی امام هادی علیه السلام مورد استفاده قرار گرفته است:

۱-۱-۱. معرفی به شیعیان: پرده برداشتن از چهره واقعی خاطیان و آگاهانیدن مردم از اهداف پنهان آنها، کمک بسیاری خواهد نمود تا مردم از فروافتادن در دام ایشان مصون بمانند و به مهره آنان تبدیل نشوند.

در ادامه مسیر انحراف، فارس بن حاتم، نه تنها برخلاف دستور امام علیه السلام از تحویل گرفتن اموال ارسالی از سوی شیعیان خودداری نمی‌کرد، بلکه اموال تحویلی را به خدمت امام ارسال نمی‌داشت.^۲ در نهایت، حضرت از وکلای خود می‌خواهد خلع فارس از وکالت را علنی کنند تا شیعیان دیگر وجوهات را به وی تحویل ندهند.^۳ امام هادی علیه السلام همچنین، با ضمیمه کردن دستخط جعلی وصول اموال به امام علیه السلام که توسط فارس بن حاتم صورت گرفته بود، ایوب بن نوح، وکیل دیگر خود را از جریان مطلع نمود و از وی خواست خیانت فارس را نزد شیعیان افشا نماید.^۴ امام هادی علیه السلام در پاسخ نامه یکی از شیعیان که به برخی

۱. همان، ص ۵۲۲، ۵۲۵ و ۵۲۸.

۲. همان، ص ۵۲۵.

۳. همان، ص ۵۲۵ - ۵۲۶.

۴. همان، ص ۵۲۵.

از افکار علی بن حسکه اشاره کرده بود، علاوه بر دروغ گو خواندن علی بن حسکه می فرماید: «من او را جزء موالی خود نمی شناسم.»^۱ این اقدامات امام هادی علیه السلام باعث می شود تا شیعیان چهره واقعی این گونه افراد را شناخته، دیگر در دام ایشان دچار نیایند. عروة بن یحیی دهقان نیز که در ردیف وکلای امام هادی علیه السلام شمرده می شد، سرانجام به دلیل در پیش گرفتن راه خیانت و برداشتن بخشی از اموال حضرت و آتش زدن بخش دیگری از آن، توسط امام به عنوان فردی خاطی به شیعیان معرفی می گردد.^۲ محمد بن نصیر نمیری و حسن بن محمد بابای قمی، از دیگر افرادی بود که ادعای وکالت و باییت از جانب امام را مطرح کرده، با ادعاهای دروغین خویش، اموالی را از شیعیان دریافت و مصرف می کردند. در مرقومه ای از امام هادی علیه السلام به محمد عبیدی، حضرت ضمن آنکه از این دو نفر و افکارشان تبری می جوید، عبیدی و شیعیان را به دوری گزیدن از محمد بن نصیر و ابن بابا سفارش می کند.^۳ در نامه ای دیگر در پاسخ به سؤال یکی از شیعیان از عقاید ابن بابا و مشتبه شدن وضعیت او بر شیعیان، امام هادی علیه السلام همچنان مسئله کناره گرفتن از نمیری و ابن بابا را مورد تأکید قرار می دهد.^۴

۱-۱-۱-۲. عزل و طرد: هنگامی که نصیحت و راهنمایی کارگر نیفتد، لازم است عناصر فاسد از منصب و مقام دور نگاه داشته شوند؛ تا امکان سوء استفاده از ایشان گرفته شود.

عروة بن یحیی دهقان و فارس بن حاتم که روزگاری در زمره کارگزاران امام هادی علیه السلام در سازمان وکالت قرار داشتند، از جمله افرادی هستند که به دلیل ادامه مسیر انحراف و

۱. همان، ص ۵۱۹.

۲. همان، ص ۵۷۳.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۲۰.

۴. همان، ص ۵۲۸.

خیانت، مورد لعن و عزل از مقام، و نیز طرد از جمع شیعیان واقع می‌شوند.^۱ شایان توجه است که در منابع، گزارش‌هایی از پافشاری فارس بر مسیر خیانت و انحراف، و دستور امام هادی علیه السلام بر مواجهه فیزیکی با وی مشاهده می‌گردد^۲ که نیازمند تأمل بیشتر است.

نتیجه

عدم توجه به بسترهای بروز تعارض و تنش در سازمان وکالت به روزگار امام هادی علیه السلام به سبب شرایط خاص سیاسی آن عصر، می‌توانست سازمان و وکلا را در معرض خطرهای جدی قرار دهد. خاصه آنکه خیانت برخی کارگزاران نیز بر وخامت مسئله می‌افزود. با بررسی و تحلیل اطلاعات تاریخی موجود در مورد وکلای امام هادی علیه السلام، پس از آگاهی و شناخت بسترهای بروز تعارض و تنش در سازمان وکالت به روزگار امام هادی علیه السلام، به این نتیجه می‌رسیم که حضرت با آگاهی از بسترهای تعارض‌آفرین در سازمان، ابتدا سعی در پیشگیری از بروز تنش در سازمان داشت و در مواقعی که به هر روی، تنش برآمده از تعارض‌ها در سازمان رخ می‌نمود، با اندیشیدن راهکارهای مناسب در تلاش برای رفع مشکل و جلوگیری از بازماندن سازمان از اهداف فرارو برآمدند؛ به‌گونه‌ای که با وجود تنش‌های به‌وجودآمده، خللی در روند انجام فعالیت‌های سازمان در عصر امام هادی علیه السلام مشاهده نمی‌گردد.

۱. همان، ص ۵۳۶ - ۵۳۷؛ طوسی، الغیبه، ص ۳۵۲.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۲۴.

منابع

۱. آفابخشی علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، ۱۳۷۹ ش.
۲. ابن شهر آشوب، المناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ ش.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، قم: رضی، ۱۴۲۱ ق.
۴. الویری، محسن، «امام کاظم علیه السلام و مدیریت تعارض»، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمیه قم: انتشارات مرکز مدیریت، ۱۳۹۲ ش.
۵. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، سیدمحمدتقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.
۶. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ ش.
۷. جو هج، ماری و آن آل کانلیف، نظریه سازمان: مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن، حسن دانایی فرد، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۹ ش.
۸. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۹. رایینز، استیفن، تئوری سازمان، سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: صفار، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. —، رفتار سازمانی، علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. رضائیان، علی، مدیریت تعارض و مذاکره، تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفة الرجال، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. —، الغیبة، قم: دار المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. فتال النیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. قانع، سید مسعود، مدیریت تعارض با رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. قاضی خانی، حسین، «بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم: بهار ۱۳۹۴، ش ۳۳.
۱۷. —، رسول خدا (ص) و مدیریت تنش‌های مدینه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

۱۳۹۵ش.

۱۸. الکاتب، احمد، *تطور الفكر السياسي من الشورى الى ولاية الفقيه*، بيروت: دار الجديد، ۱۹۹۸م.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۲۰. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرآیند تکامل*، هاشم ایزدپناه، نیوجرسی: داروین،

۱۳۷۴ش.

۲۱. ملیوبی، محمد کاظم، *سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت عباسیان؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها*،

قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱ش.

۲۲. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۲۳. هرسی، پاول و کنت ایچ بلانچارد، *مدیریت رفتار سازمانی*، قاسم کبیری، تهران: جهاد

دانشگاهی، ۱۳۷۳ش.